

## سر نوشت وحشتناک و باور نکردنی یک زن!



(رئیس کلانتری شهرک ناجا) اقدامات قانونی برای معرفی این زن جوان به مراکز حمایتی و ترک اعتیاد در حالی انجام شد که تلاش مشاوران و کارشناسان زنده دایره مددکاری اجتماعی برای پیگیری مشاوره‌های روان شناختی و دیگر اقدامات قانونی در این باره ادامه دارد.

در شیرخوارگاه هستند خیلی تنگ شده است، اما در گسرداب مواد افیونی فرو رفته ام و نمی‌توانم حتی به دیدار آن‌ها بروم. حالا هم که با داشتن مقداری کریستال در یکی از این پاتوق‌های خلافکاران توسط نیروهای کلانتری دستگیر شدم و ... شایان ذکر است، به دستور سرهنگ محمد فیاضی

کنار او بزرگ شسود. من هم که غسرق در اعتیاد بودم مخالفتی نکردم، زیرا از عهده مخارج او بر نمی‌آدم. به ناچار دوباره نزد برادر ناتنی ام بازگشتم و چند سال بعد باز هم با مردی معتاد و بیکار ازدواج کردم. با این حال نه تنها طعم خوشبختی را نچشیدم بلکه هر روز روزگرم سیاه‌تر می‌شد. «قدیر» زمانی که خماس می‌شد مرا به شدت تنگ می‌زدو آزارم می‌داد او نمی‌توانست مخارج زندگی و هزینه‌های اعتیادمان را تامین کند، به همین دلیل مرا به کارگری می‌فرستاد و به کارهایی وارد می‌کرد که از انجام آن‌ها نفرت داشتم. سال‌های این وضعیت اسفبار را در حالی تحمل کردم که سه فرزند نیز داشتم، ولی آن‌ها نیز روزگار خوبی نداشتند و به خاطر اعتیاد شدید من و شوهرم حتی از خوردن و خوراکی معمولی نیز محروم بودند. بالاخره با حکم قضایی فرزندانم را تحویل بهزیستی

درس می‌خواندم، ناگهان لباس سفید عروس بر تنم کردند و مرا پای سفره عقد نشاندند. آن زمان اصلاً نمی‌فهمیدم که قرار است ازدواج کنم و زندگی مستقلی داشته باشم. شوهرم پیرمردی موادفروش و خلافکار بود که باید بقیه عمرم را در کنار او می‌گذراندم. در واقع برادرانم با گرفتن دو میلیون تومان به عنوان شهرب‌ها مرا به او فروختند. تازه به سن نوجوانی رسیده بودم که شوهرم را با یک محموله سنگین موادمخدر دستگیر کردند و به اعدام محکوم شد. او در مدت پنج سال زندگی مشترک مرا که کودکی ناآگاه بودم به مواد مخدر آلوده کرد و زمانی که اعدام شد پسر مرا باردار بودم. آن زمان ۱۴ سال بیشتر نداشتم و هنوز نمی‌فهمیدم که حالا بعد از مرگ شوهرم باید چه کار کنم. مادرشوهرم پسر مرا به عنوان یادگار فرزندش از من گرفت تا در

گروه حوادث - زن ۳۳ساله سایه‌دار است که در عملیات طرح ارتقای امنیت اجتماعی پلیس مشهد دستگیر شده است، در باره سرگذشت تلخ خود به کارشناس اجتماعی کلانتری توضیحاتی ارائه داد. این زن که برای سسومین بار و به اتهام نگهداری مواد مخدر با ظاهری ژولیده و مقر انتظامی هدایت شده بود، در باره سرگذشت تلخ خود به کارشناس اجتماعی کلانتری شهرک ناجای مشهد گفت: من هیچ گاه پدرم را ندیدم، چسبون او قبل از به دنیا آمدن من فوت کرد. از مادرم نیز فقط یک تصویر میهم در ذهنم باقی مانده است و خاطره‌ای از او به یاد ندارم. مادرم بیماری قلبی داشت و در حالی که من وارد سومین بهار زندگی ام شده بودم، از دنیا رفت. در این شرایط خواهر و برادر ناتنی ام مرانزد خودشان بودند و بزرگم کردند. زمانی که در کلاس سوم ابتدایی

### اعترافات قاتل عاشق پیشه:

## عشق به دختر افغان از من قاتل ساخت



در ادامه گزارش گفتگو با متهم پرونده را بخواهید.

قتل مرد جوان مقابل کارگاه خیاطی در خزانه

چند سال داری؟

۲۲ ساله هستم و ۷ ماه قبل به ایران آمدم، که ای

کاش نیامده بودم.

چرا از سفر به ایران ناراحتی؟

من در افغانستان در کارگاه هایی کار می کردم که

خیلی موش داشت. آنجاحتی موش هم نیکشته بودم

اما حالا آدمکش شدم. خیلی می ترسیدم خطرانی

برای من اتفاق بیفتد و هر چه می ترسیدم سرم آمد.

اما مجبور شدم بیایم.

چرا مجبور شدی؟

عاشق دختری شدم که پدر شرط گذاشت به ایران

بیایم و کار کنم و برای دخترش طلا بخرم. می گفت

پسران خودم هم در ایران کار کردند. مادرم گفت اگر

دختر را می خواهی ترس را کنار بگذار.

از چه چیزی این همه می ترسیدی؟

قبلاً پسر عموهایم غیرقانونی وارد ایران شدند و

گروه حوادث - جوان افغان در جریان درگیری مرد جوان میانجی را با ضربه پیچ گوشتی به قتل رساند. گزارش قتل یک جوان ۳۰ ساله به ماموران کلانتری خزانه داده شد و مشخص شد این مرد مقابل یک کارگاه خیاطی با ضربه پیچ گوشتی از پای در آمده است.

بلافاصله بازپرس محمدرضا صاحب جمعی در صحنه قتل حاضر شد و با تحقیقات انجام شده، ضارب شناسایی و دستگیر شد و به وارد کردن ضربه مبارکبار اعتراف کرد.

او در شعبه ششم دادسرای جنایی تهران در تشریح ماجرا گفت: «من کارگر کارگاه خیاطی بودم. روز گذشته چند مرد غریبه وارد کارگاه شدند و ظاهراً دنبال فردی می گشتند که گمان می کردند رفیق ماست. آنها من و دو ستم را به یاد تنگ گرفتند که آثار کبودی هنوز روی دست و پایم هست. یکی از آنها با لگد به فک دو ستم ضربه ای زد و سر دو ستم به دیوار خورد. آنها از ترس اینکه دوست من بمیرد، مقداری وسایل ما را برداشتند و پا به فرار گذاشتند که ما دنبال آنها دویدیم و وسط کوچه باز با هم درگیر شدیم. من یک پیچ گوشتی دستم بود. یکدفعه دیدم یک نفر از پشت سر در حال نزدیک شدن به من است که فکر کردم دوست مهاجمان است و قصد ضربه زدن به من را دارد. برای همین ناخودآگاه برای دفاع از خودم به او ضربه ای زدم که فکر نمی کردم همان ضربه باعث مرگش شود. بعد فهمیدم آن مرد از همسایه های محل بود که برای میانجیگری وارد کوچه شده بود.»

با اعترافات متهم جوان رسیدگی به این پرونده در شعبه ششم دادسرای جنایی تهران هم چنان در جریان است.

## قتل نخبه شیمی با محلول شیمیایی خطرناک



من بگویدم آن را خورد.

پس از دفاعیات متهم ووکیل مدافعش، قضات وارد دستور شدند و با توجه به مدارک موجود در پرونده، او را از اتهام قتل عمدی تبرئه و به دلیل قتل شبه‌عمد به پرداخت دیه محکوم کردند. این رای در دیوان عالی کشور شکست و متهم هفته قبل برای دومین بار محاکمه شد که این بار، قضات پس از شنیدن دفاعیات متهم و با توجه به درخواست قضاص از سوی اولیای دم قرار وثیقه او را به بازداشت تغییر دادند. در این جلسه متهم دوباره منکر قتل عمد شد و گفت من هیچ مشکلی با دو ستم نداشتم که بخوام او را بکشم. قضات بعد از شور، او را به قصاص محکوم کردند.

## شوخی خطرناک با سِر پرست دادسرای امور جنایی تهران با ژست شلیک!

خودروی پژو ۴۰۵ نفره‌ای رو در کنار سمت راست خودم دیدم. دو تا زن جوان (راننده و سرنشین) جلو بودند و به بیچه هم عقب. در یک لحظه پنجره پژو پایین اومد و خانم راننده از پنجره سلاح رو به طرف من گرفت، مرگ جلوی چشم من اومد تا خواستم کاری بکنم ماشه رو چکاندم. ناخودآگاه ماشین رو به سمت چپ گرفتم که نز نزدیک به تصادف و چپ کردم هم بود. دلم هوری ریخت و وحشت زده شدم و گفتم: شلیک و تمام اما متوجه شدم شلیکی نبوده و دو تا خانم زندند زیر خنده.

اونجا بود که فهمیدم سلاح اسباب‌بازی به احتمالاً متعلق به اون بیچه. فقط عکس پلاک رو گرفتم. الان دو ساعته دارم به موضوع فکر می‌کنم که چه بر خوردی با این‌ها داشته باشم. آخرش هم نتیجه گرفتم بی‌خیال شوم. احتمالاً برای دلخوشی اون بیچه این کار رو کرده باشند یا خنده خودشون ایا امیدوارم این شوخی رو باشخص دیگه‌ای تکرار نکنند که ممکنه در سِر بزرگی درست کنند.

گروه حوادث - دانشجوی دکتری شیمی که متهم است با ساخت محلولی شیمیایی و خطرناک، باعث مرگ نخبه شیمی شده، پس از محاکمه دوباره در دادگاه کیفری، به قصاص محکوم شد. پیش از این، قضات، عمل او را قتل عمد تشخیص ن داده بودند. رسیدگی به این پرونده از دو سال قبل و با گزارش مرگ مشکوک پسر جوانی در خانه دوستش آغاز شد. با آزمایش‌های تخصصی مشخص شد، پسر جوان به دلیل مسمومیت با یک ماده شیمیایی فوت کرده است.

ماموران به تحقیق از پسر صاحب‌خانه که از نخبه‌های دانشگاهی است، پرداختند که او بیان کرد: من و دو ستم که فوت شد، در مدرسه تیزهوشان درس می‌خواندیم و هر دو در دانشگاه شریف قبول شدیم. بعد از لیسانس در دو دانشگاه جداگانه مشغول به تحصیل شدیم و کمتر همدیگر را می‌دیدیم. چندی قبل متوجه شدم او از دانشگاهی در آمریکا بورسیه گرفته و قرار است به آنجا برود. با او تماس گرفتم و وقتی فهمید عقد کرده‌ام و به او خبر نداده‌ام، از من دلخور شد. من هم برای این که به این دلخوری پایان دهم، او را به خانم دعوت کردم. من به دلیل این که شیمی آماده بودم، ترکیبی از کلروفوم درست و مصرف می‌کردم. آن را داخل آبیومو ریختم و در یخچال گذاشتم که دو ستم اشتباهی آن را خورد و مسموم شد.

با تکمیل تحقیقات در دادسرا، برای سامان به اتهام قتل، کیفرخواست صادر شد و پرونده‌اش به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در این جلسه، اولیای دم برای متهم درخواست قصاص کردند. اما پسر جوان منکر قتل شد و گفت: این محلول شیمیایی و اعتیاد آور را از کلروفوم درست کرده بودم و مصرف می‌کردم. دو ستم بدون این که به

گروه حوادث - امروز با صحنه‌ای عجیب مواجه شدم که فکرش رو هم نمی‌کردم. همیشه خودم را برای ای مواجه‌باهر تهدیدی آماده‌نگه می‌دارم. مخصوصاًت‌هاجم باسلاح یا هر گونه اقدام آیدایی‌ای دیگه اما این جوریش رو دیگه فکر نکرده بودم بهش!! محمد شهبازی؛ معاون دادستان و سرپرست دادسرای امور جنایی تهران روز پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت در صفحه شخصی خود یادداشتی کوتاه‌ی با عنوان اخلاخل در نظم عمومی منتشر کرد. در این یادداشت ماجرای عجیب گمان یک سوء قصد تشریح شده است که در ادامه می‌خوانید:

باصحنه‌ای عجیب مواجه شدم که فکرش رو هم نمی‌کردم همیشه خودم را برای مواجهه باهر تهدیدی آماده‌نگه می‌دارم. مخصوصاًت‌هاجم باسلاح یا هر گونه اقدام آیدایی‌ای دیگه اما این جوریش رو دیگه فکر نکرده بودم بهش!! ساعت ۱۸ در راه برگشت از اداره بودم توی لاین وسط خودم را ندنگی می‌کردم. توی هزار تا فکر و خیال بودم که در یک لحظه

## نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ – ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)  
سایت: www.eghtesad-kish.ir

## عطاری

عطاری عین الشفا با سوغات همدان، انواع عرقیجات، داروهای گیاهی، گردو باپوست ومغز گردو تویسرکان، بادام درختی باپوست ومغز بادام، شیره انگور ملایر، ارده بروجرد و ...  
آدرس: پارس خلیج فارس ، کوچه بابونه شماره تماس ها ۰۹۱۸۸۱۵۵۹۰۳  
۰۹۳۷۸۹۸۰۶۶۶ جنتی عطایی

## خدمات

خدمات برق  
انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی  
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

خدمات تاسیسات آب و لوله کشی  
جزئی و کلی مجتمع های اداری مسکونی - خدماتی - تجاری  
رضایی ۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴

## اجاره غرفه

غرفه تجاری - خدماتی  
یک باب مغازه با کاربری تجاری به مساحت ۳۵۰ متر مربع واقع در خیابان نبایش کوچه شهید تابش به بالاترین قیمت پیشنهادی به صورت اجاره سالانه واگذار گردد. متقاضیان جهت هماهنگی به شماره ۰۹۳۴۷۶۹۸۵۸۹ با آقای شهرکی تماس حاصل فرمایند.

## استخدام

به یک خانم آشنا به نرم افزار هلو جهت کار در پخش مواد غذایی تمام وقت نیازمندیم.  
۰۹۱۲۸۹۲۰۰۷۹

منشی عصر  
یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، منشی شیفت عصر استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴ تماس حاصل فرمایند. ساعت کاری: ۹ تا ۳ شب

## خشکشویی

خشکشویی طلوع در اسرع وقت با تضمین و کیفیت عالی همراه با پیک تحویل آدرس: مجتمع خدماتی طلوع، روبروی برجهای طلایی و بازار کوروش

تاسیسات ساختمانی کریمی  
۰۹۳۴۷۶۹۴۷۴۴

## رستوران

کترینگ بیرون بر شاندیز  
منو متفاوت، کیفیت عالی بهشت شاندیز  
۰۹۰۲۰۰۹۸۰۲۴

رستوران شیرین پلو: انواع غذای ایرانی  
آدرس: شهرک صدف بازارچه گلستان  
شماره تماس: ۴۴۴۴۳۰۷۲-۴۴۴۴۳۰۷۳

نیازمندیهای اقتصاد کیش  
۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۳۹۱۰

## تعمیرات کولر

نصب و تعمیرات کولر، اسپلیت  
۰۹۱۷۶۸۶۷۰۸۳ آقای جلیل پور

۴۴۴۲۴۹۶۶  
۴۴۴۲۴۹۹۹

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش

گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش